

رویکرد معناشناسی شناختی به حرف اضافه «به» با تأکید بر شاهنامه فردوسی

مریم علی‌نژاد*

مهلا آرین‌پور**

چکیده

«به» یکی از پرکاربردترین حروف اضافه در زبان فارسی است که معانی گوناگونی دارد. پژوهش حاضر با استفاده از کاربرد این حرف در داستانی از شاهنامه فردوسی، به بررسی مقولات شعاعی حرف اضافه «به» از منظری شناختی می‌پردازد. پیکره موردنیاز این پژوهش، از داستان «بیژن و منیژه» شاهنامه (با ۱۳۱۲ بیت) استخراج شده است. اهداف اصلی این مطالعه، نشان‌دادن ساختار شعاعی شبکه معنایی حرف اضافه «به» و بررسی تغییرات معنایی ایجادشده در شبکه معنایی آن، به روش توصیفی-تحلیلی است که به منظور نیل به این اهداف و تحلیل، از رویکرد چندمعنایی سامان‌مند تایلر و ایوانز بهره‌گرفته شده است. نوع روش پیکره بنیاد است.

یافته‌ها حاکی از آن است که در ۶۳۱ بیت از کل ابیات این داستان، حرف اضافه «به» با بسامد ۷۸۹ بار به کار رفته است که معانی مختلف آن در این ابیات، از حالتی نظام‌مند برخوردار بوده و در شبکه معنایی منسجمی در قالب ساختار شعاعی قرار گرفته‌اند. در شاهنامه، معنای سرنمونی این حرف اضافه در مفهوم «الصاق و اتصال» بیشترین بسامد وقوع را دارد. همچنین نتایج مؤید آن است که در داستان بیژن و منیژه، معانی گوناگون «به»

* استادیار پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
alinezhadmar@gmail.com

** پژوهشگر پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
arianpoor.m81@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴

در قالب ساختاری و شعاعی و در خوشه‌های معنایی «الصاق و اتصال»، «مخاطب قراردادن و ایجاد ارتباط»، «استعانت و واسطه»، «تعلیل» و «مصاحبت و همراهی»، حول محور معنای سرنمونی آن، یعنی «الصاق و اتصال» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: حرف اضافه «به»، مقوله شعاعی، شبکه معنایی، معنی‌شناسی شناختی، شاهنامه فردوسی.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی ریشه در مباحث و علوم شناختی نوظهور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به‌ویژه مقوله‌بندی در ذهن انسان و روان‌شناسی گشتالتی دارد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳). در این رویکرد، زبان به‌عنوان نظامی از مقولات در نظر گرفته می‌شود و ساختار صوری زبان نه به‌عنوان پدیده‌ای مستقل بلکه در مقام نمودی از نظام مفهومی کلی اصول مقوله‌بندی، سازوکار پردازش و تأثیرات تجربی و محیطی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (گرارتس، ۱۹۹۵: ۳). از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی الگوبرداری مستقیمی بین زبان و دنیای خارج وجود ندارد و موقعیتی خاص را می‌توان به روش‌های متفاوت تعبیر کرد.

از جمله مسائل مورد بحث در زبان‌شناسی شناختی، توصیف معنایی حروف اضافه است. در میان واژگان چندمعنا، حروف اضافه در تمام زبان‌ها دارای گستره وسیعی از مفاهیم متفاوت هستند و به‌خوبی نشان می‌دهند که معنای حرف اضافه‌ای به‌صورت قاعده‌مند از حوزه فضایی و فیزیکی، به حوزه انتزاعی گسترش می‌یابد. (زاهدی و محمدی زیارتی، ۱۳۹۰: ۶۸) براساس این دیدگاه، حروف اضافه نیز همچون دیگر واژگان چندمعنا دارای معنای مرکزی و حاشیه‌ای هستند. معانی حاشیه‌ای عموماً حاصل بسط استعاری معانی مرکزی‌اند. (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۶۱) بر همین اساس، رویکردی که در مورد حروف اضافه مطرح می‌شود، رویکرد «چندمعنایی نظام‌مند» (principled polysemy) است؛ در این رویکرد فرض بر این است که مجموعه‌ای از معانی مجزا ولی مرتبط با هم به‌طور قراردادی، یک شبکه معنایی را می‌سازند که در این شبکه، یکی از معانی، معنای اولیه به‌شمار می‌رود و سایر معانی موجود، به‌شکلی نظام‌مند در ارتباط با معنای اولیه هستند. (راسخ مهند و رنجبر ضرابی، ۱۳۹۲: ۹۸-۹۹).

با وجود مطالعات قابل توجهی که در زمینه حروف اضافه در زبان فارسی انجام شده، تاکنون حرف اضافه «به» و مقولات شعاعی آن با تکیه بر یک اثر خاص از منظر

زبان‌شناسی شناختی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ از این‌روی در مقاله حاضر بر آن شدیم مقولات شعاعی حرف اضافه «به» را در داستان «بیژن و منیژه» شاهنامه مورد بررسی قرار دهیم. داستان «بیژن و منیژه» به گواهی برخی از شواهد زبانی موجود در آن از نخستین داستان‌هایی است که فردوسی در جوانی و پیش از سرودن شاهنامه آن را به صورت جداگانه به نظم کشیده است، از این‌روی نسبت به دیگر داستان‌های شاهنامه از قدمت بیشتری برخوردار است و می‌تواند بیش از هر داستان دیگری نماینده زبان فارسی اصیل در قرن چهارم باشد. بدین منظور پس از استخراج نمونه‌های موردنظر از این داستان، کوشیده‌ایم شبکه معنایی حرف اضافه «به» و بسامد وقوع آن بر حسب معانی هسته‌ای و حاشیه‌ای (peripheral meaning) را بررسی کنیم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که در داستان مورد بررسی بیشتر معنای هسته‌ای و سرنمونی این حرف اضافه مدنظر بوده یا معنای حاشیه‌ای آن؟ و آیا می‌توان در میان معانی گوناگون حرف اضافه «به»، به معنای دست‌یافت که امروزه از شبکه نظام معنایی زبان خارج شده و به کمک حروف اضافه دیگر بیان می‌شوند؟

۲. پیشینه مطالعات

در بررسی پیشینه مطالعات شناختی حروف اضافه، به اوایل دهه ۱۹۸۰، می‌رسیم که در آن محدوده زمانی تعدادی از زبان‌شناسان شناختی، حروف اضافه انگلیسی را از دیدگاه شناختی مورد تحلیل قرار دادند؛ این تحلیل‌ها حاکی از آن بود که حرف اضافه، رابطه بین دو عنصر را رمزگذاری می‌کند که در این میان، عنصر مورد تمرکز، گذرنده (TR) (trajectory) و عنصری که در پس‌زمینه قرار گرفته است مرز نما (LM) (landmark) نامیده می‌شود. لیکاف و جانسون (G.lakoff & Johnson). در ۱۹۸۷ آنها را طرح‌واره image (schema) نامیدند. دیرون (R.Dirven) (۱۹۹۳) تلاش کرد با بررسی معانی سرنمونی ۱۲ حرف اضافه در زبان انگلیسی، طبقه‌بندی معنای حاشیه‌ای را براساس بسط معنایی، به حوزه‌های مختلفی از جمله زمان، مقدار و حالت، مقوله‌بندی کند. (مختاری، ۱۳۹۲: ۷۸) ایوانز و تایلر نیز در ۲۰۰۳ به بررسی برخی از حروف اضافه پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که میان این حروف اضافه، علاوه بر عنصر عملکردی، روابط فضایی نیز حاکم است که عنصر عملکردی، در نتیجه تعاملات روزمره ما با آرایش فضایی مرتبط با آن حرف اضافه خاص ایجاد می‌شود. تایلر (Tyler)، مولر (Mueller) و هو (Ho) (2011) به بررسی تأثیر

رویکرد معنی‌شناسی شناختی جهت آموزش حروف اضافه to, at, for پرداختند. آنها رویکرد معنی‌شناسی شناختی را به عنوان ابزاری جهت یادگیری معنادار در نظر گرفتند و تأثیر این رویکرد را برای آموزش این حروف اضافه نشان دادند آنان در این تحقیق به گروه آزمایش و کنترل، معانی مختلف این حروف اضافه را آموزش دادند. مقایسه نمرات پیش آزمون و پس آزمون دو گروه آزمایش و کنترل بیانگر این بود که گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل پیشرفت اساسی در درک معانی این سه حرف اضافه مختلف داشتند (وحیدی فردوسی، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

هوانگ (Tiange Huangi) در ۲۰۱۶ به بررسی حروف اضافه به طور کلی از منظر شناختی پرداخته است. او بر اساس پیکره زبانی زبان انگلیسی مطرح می‌کند که به لحاظ آماری از هر هشت کلمه انگلیسی در هر متن انگلیسی یک حرف اضافه وجود دارد و بنابراین بر اساس پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که حرف اضافه نقش اجتناب‌ناپذیری را در واژگان زبان انگلیسی ایفا می‌کند.

کوسمونتو (Joko Kusmanto) در ۲۰۱۷ به بررسی نظریه شناختی حروف اضافه مکانی و کاربرد آن در آموزش زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی پرداخته است. او در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که معنای واژگانی حرف اضافه مکانی نشانگر آن است که چگونه زبان، فرهنگ و ذهن درهم پیچیده‌اند.

در زبان فارسی نیز گلفام و یوسفی‌راد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی شناختی حروف اضافه فارسی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که به کمک رویکرد شناختی، و ابزاری که این دیدگاه برای بررسی در اختیار ما قرار می‌دهد می‌توان به تبیین بهتری از حروف اضافه دست یافت.

راسخ مهند در مقاله‌ای (۱۳۸۹) ضمن تحلیل و بررسی شناختی حرف اضافه «روی» و چند حرف اضافه دیگر در فرهنگ سخن، نحوه ضبط معانی حروف اضافه مکانی را در این فرهنگ لغت بررسی کرده و نقاط ضعف و قوت آن الگو را مشخص نموده است.

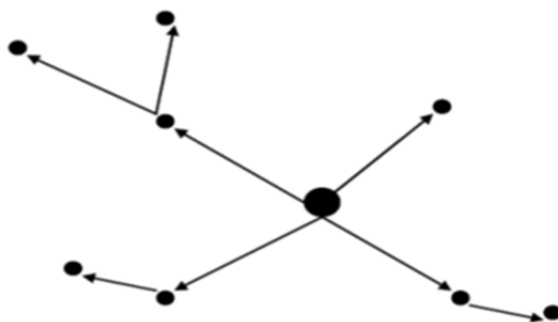
راسخ مهند و رنجبر (۱۳۹۲) شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر» را نیز مورد پژوهش قرار داده‌اند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن بود که در زبان فارسی، عبارات زمانی بر پایه عبارات مکانی شکل می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، مکان، مقدم بر زمان می‌باشد و این فرایند حاصل استفاده از ابزارهای شناختی نظیر جسمی‌شدگی، طرح‌واره‌های تصویری و غیره است.

مختاری و رضایی در مقاله‌ای (۱۳۹۲) به بررسی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی پرداخته و هدف از پژوهش خود را نشان دادن تصادفی نبودن معانی گوناگون حرف اضافه «با» و ارائه شبکه معنایی آن حرف عنوان کرده‌اند. آنها به این نتیجه دست یافته‌اند که این حرف اضافه، شبکه معنایی منسجمی دارد که در آن خوشه‌های معنایی مختلف، حول یک محور سرنمونی در قالب ساختاری شعاعی قرار گرفته‌اند. همچنین رضایی، مختاری و کرمانی در مقاله‌ای (۱۳۹۲)، مقوله «بر» در گلستان سعدی را مورد بررسی شناختی قرار داده‌اند. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که این حرف اضافه دارای شبکه معنایی منسجمی است که در آن، معانی گوناگون این حرف اضافه، در قالب خوشه توافقی، تقابلی و وضعیتی، حول یک معنای سرنمونی در قالب ساختار شعاعی قرار گرفته‌است.

۳. مبانی نظری پژوهش

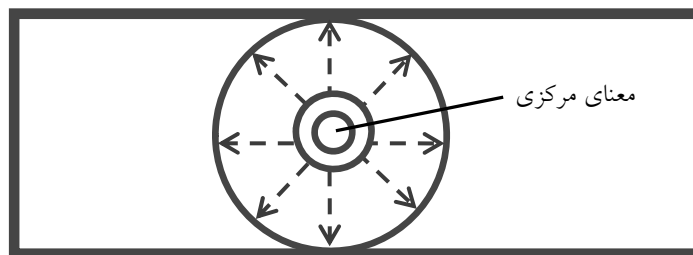
مقوله‌بندی (categorization) یکی از مسائل اساسی مورد توجه در حوزه زبان‌شناسی شناختی است. مقولات شعاعی (radial categories) یکی از نظریات مطرح شده مرتبط با رویکرد شناختی است که لیکاف (۱۹۸۷) آن را مطرح نمود. در این نظریه مقولات مختلف موجود در هر مجموعه، ساختار شعاعی و عضویت مدرج دارند. مرز مشخصی برای مجموعه‌ها وجود ندارد و اعضا بر روی یک پیوستار هستند؛ به این صورت که یکی از اعضای مجموعه که دارای ویژگی‌های شاخص آن دسته است در مرکز قرار می‌گیرد و اعضای دیگر، بسته به میزان برخورداری از آن ویژگی‌های خاص و شباهت معنایی، به مرکز نزدیک و یا از آن دور می‌شوند. شعاعی بودن متضمن این نکته است که در دیدگاه شناختی برخلاف دیدگاه سنتی مطرح در زبان‌شناسی، برای تعلق یک عنصر به مقوله‌ای خاص، گردآمدن شرایط لازم و کافی، ضروری نیست بلکه تعلق به مقوله‌ای خاص، پدیده‌ای مدرج است، نه مطلق. آن عنصر می‌تواند به پیش‌نمون نزدیک‌تر و با آن مشابه باشد یا نباشد (عبدالکریمی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). به عبارت دیگر، معنای اصلی یا معنای سرنمون در مرکز این مقوله قرار می‌گیرد و معنای حاشیه‌ای (Peripheral meaning) دورتر از معنای اصلی هستند. مقوله شعاعی، در تقابل مستقیم با مفهوم سنتی مفاهیم مقولات است که ارسطو آن را مطرح کرده بود. مقوله شعاعی، مقوله‌ای مفهومی است که در آن، چند مفهوم در ارتباط با مفهومی مرکزی سازمان‌بندی شده‌اند. در مورد واژه نیز این‌گونه عنوان می‌شود که معنای اصلی آن یا معنای سرنمون، در مرکز این مقوله قرار می‌گیرند و معنای حاشیه‌ای دورتر از معنای اصلی

هستند. نمودار زیر تصویری انتزاعی از نحوه ارتباط معانی مختلف واژه در دیدگاه مقولات شعاعی را نشان می‌دهد. در این نمودار هر یک از گره‌ها، معانی مختلف یک واژه هستند که بایک‌دیگر مرتبط می‌شوند و درعین حال همگی حاصل معنای مرکزی واژه‌اند (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۵۷).



طرحی انتزاعی از مقولات شعاعی

شبکه‌های شعاعی، این مطلب را به خوبی تبیین می‌کنند که چگونه مفاهیم خاص، در ذهن سخنگویان به زبانی خاص با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند؟ و روابط شناختی طبیعی حاکم بر آنها چیست؟



شبکه معنایی یک مقوله شعاعی

یکی از مواردی که می‌توان در قالب مقوله شعاعی به آن پرداخت، توصیف معنایی حروف اضافه است. در میان واژگان چندمعنا، حروف اضافه در تمام زبان‌ها دارای گستره وسیعی از مفاهیم متفاوت هستند. این موضوع نیز شایان توجه است که تاکنون هیچ دیدگاهی مانند معناشناسی شناختی نتوانسته است تحلیل دقیقی از حروف اضافه ارائه دهد،

زیرا در نظریه‌های پیشین، معنا همواره در رابطه‌ای یک‌به‌یک میان صورت‌های زبانی و واقعیت‌های جهان خارج تبیین می‌شد.

در بررسی حروف اضافه باید به دو مسئله اساسی توجه داشت:

الف) معنای حرف اضافه‌ای به‌عنوان معنایی هسته‌ای بررسی می‌شود.

ب) حروف اضافه از نمونه‌های بارز چندمعنایی واحدهای زبانی هستند که همواره یکی از معانی آنها پیش‌نمونه محسوب می‌شود. (رضویان و خانزاده، ۱۳۹۳: ۶۳)

ایوانز و گرین (Evans & Green) (۲۰۰۶: ۲۷-۴۷) بر این باورند که در رویکرد شناختی می‌توان به ویژگی‌هایی اشاره کرد که از آن جمله‌اند:

الف. در این رویکرد مقوله‌بندی عناصر زبانی از نوع سرنمون (prototype) است.

ب. معنی، ساختاری ذهنی تلقی می‌شود که مبتنی بر سنجش صدق و کذب نیست.

ج. معانی بر اساس ساختار هندسی، فضایی و ذهنی شکل می‌گیرند.

د. طرح‌واره‌های تصویری که ساختاری فضایی دارند به‌عنوان اصلی‌ترین انگاره‌های شناختی در نظر گرفته می‌شوند. (به نقل از دهقان، ۱۳۹۷: ۲)

ایوانز و تایلر (Evans & Tayler) رویکرد چندمعنایی سامان‌مند را پیشنهاد کردند. براساس این رویکرد، معنای اولیه حروف اضافه طبق قواعدی قابل‌تعیین است و معانی متمایز به‌طور قاعده‌مند از آن مشتق می‌شوند و در نهایت این معانی متمایز به همراه مفهوم اولیه، شبکه‌ای معنایی را تشکیل می‌دهند. در این شبکه، معنای اصلی در مرکز قرار می‌گیرد و معانی متمایز مشتق‌شده از آن، به شکلی نظام‌مند در ارتباط با معنای اولیه آن هستند؛ بدین‌صورت که معنای‌ای که به‌طور مستقیم از معنای اولیه مشتق شده، نزدیک به مرکز و معنای‌ای که به‌طور غیرمستقیم از معنای اولیه و مستقیماً از یکی از معانی مشتق، اشتقاق یافته‌اند، دورتر از مرکز قرار می‌گیرند (۲۰۰۳: ۹-۱۰۷).

۴. بررسی معانی شعاعی حرف اضافه «به»

حرف اضافه «به» از واژه «patiy» به معنی «به»، «به‌سوی»، «علیه»، «دربرابر» در فارسی باستان گرفته شده است که خود از ریشه هندواروپایی «poti» مشتق شده است. در فارسی میانه این حرف به صورت «pat» دیده می‌شود. حرف «به» در پشتو «pa»، بلوچی «pa»، و بختیاری «be»، «bi» و «ba» بوده است (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۵۴۲). در ایرانی میانه غربی، «pad» برای

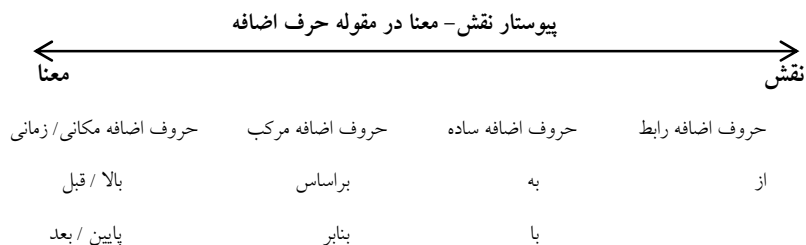
نشان‌دادن زمان و مکان انجام کار مورد استفاده قرار می‌گرفت. در پهلوی کاشانی ترفانی، «pad» برای نشان‌دادن وسیله انجام کار، به کار می‌رفت. «pad» به صورت‌های «به» و «بد» به فارسی دری رسیده است. «بد» تنها پیش از «آن»، «این»، «او» و «ایشان» به کار می‌رود. (ناتل خانلری، ۱۳۷۴: ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱ و ۲۸۳). در یک تمایز اساسی می‌توان گفت حروف اضافه می‌توانند دو بُعد نقشی و واژگانی داشته باشند.

ناتل خانلری بر ماهیت نقشی حرف اضافه تأکید کرده و معتقد است حروف اضافه، خودبه‌خود معنی مستقلی ندارند اما برای پیوستن اجزای یک جمله به یکدیگر یا نسبت‌دادن و اضافه‌نمودن کلمه‌ای به جمله، به کار می‌روند. در کتاب تاریخ زبان فارسی می‌خوانیم حرف اضافه «به» در معنی اصلی، جهت جریان فعل یا حالت را بیان می‌کند، همچنان که حرف «از» مبدأ جریان را نشان می‌دهد. اما در عبارت، این کلمه معانی و موارد استعمال متعددی دارد. (۱۳۷۴: ۳۷۴)

ابوالقاسمی در دستور تاریخی زبان فارسی ذکر کرده است، «به» با اسمی می‌آید که وسیله و زمان و مکان انجام کار را نشان می‌دهد. «به»، به معنی «از لحاظ» هم به کار می‌رود. (۱۳۸۳: ۲۸۷) بنابراین به نوعی بر نقش معنایی آن تأکید دارد.

دستوریان فارسی در مورد اینکه کدام واژه‌ها را حرف اضافه در نظر بگیرند، توافق نظر ندارند. یوسفی‌راد (۱۳۸۷) با در نظر گرفتن آموزه‌های زبان‌شناسی‌شناختی، حروف اضافه مکانی در زبان فارسی را مقوله‌ای می‌داند که دارای اعضای هسته‌ای و نیز اعضای حاشیه‌ای هستند؛ در هسته یا مرکز این مقوله، حروف اضافه مکانی مانند «در»، «از»، «به»، «تا» و «با» قرار دارند. در لایه حاشیه‌ای تر آن، حروفی قرار دارند که به صورت اختیاری کسره می‌گیرند؛ مانند «توی»، «روی»، «جلوی»، «پهلوی» و بالاخره در مرزهای این مقوله، واژگانی نظیر «سر»، «پای»، «پشت»، «بیرون» و... قرار دارند که به صورت اجباری کسره اضافه می‌گیرند. (راسخ‌مهند، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

بدیهی است که هیچ عنصر زبانی را نمی‌توان تهی از نقش و معنا دانست، اما میزان برخورداری از محتوای معنایی یا دستوری در هیچ‌یک از عناصر زبانی یکسان نیست. بنابراین می‌توان برای حروف اضافه همچون دیگر مقولات، پیوستاری از نقش و معنا در نظر گرفت. پیوستار نقش - معنا در مقوله حرف اضافه در تمام زبان‌ها، دارای گستره وسیعی از معانی متفاوت هستند.



در این پیوستار هرچه از راست به چپ حرکت می‌کنیم واژه‌ها از محتوای معنایی و از گانی سرشارتر می‌شوند (ابوالحسنی چیمه، ۱۳۹۳: ۱۶)

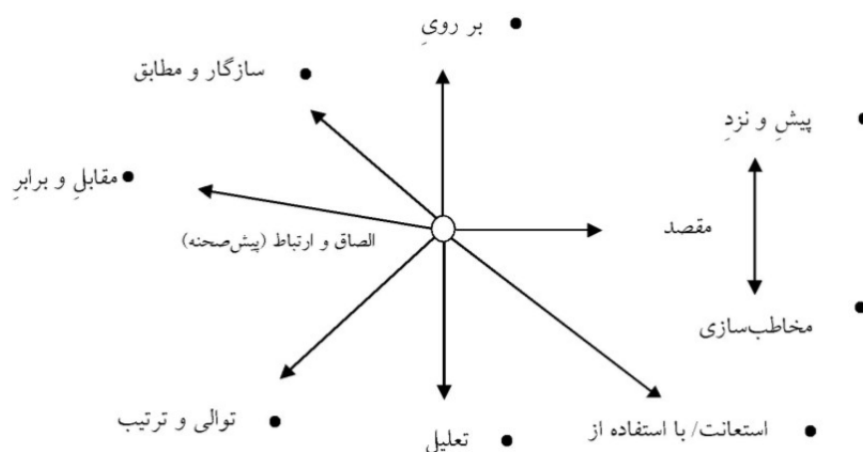
در فرهنگ‌های لغت مختلف فارسی، معانی و کاربردهای متعددی برای حرف اضافه «به» آورده شده است که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد:

دهخدا (۱۳۷۷)، ۱۵ معنی، معین (۱۳۷۱)، ۱۶ معنی، خطیب رهبر (۱۳۷۹)، ۲۸ معنی، مشکور (۱۳۶۳)، ۱۴ معنی و انوری (۱۳۸۰)، ۲۹ معنی برای حرف اضافه «به» ذکر کرده‌اند. برخی از معانی این حرف اضافه، در فرهنگ‌های مذکور هم‌پوشانی دارند؛ بنابراین پس از یک بررسی و مقایسه کلی، معانی فرهنگ بزرگ سخن به‌عنوان اساس پژوهش حاضر مورد تحلیل قرار گرفت. ۲۹ معنای ذکر شده در این فرهنگ را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان در چهار گروه «تعلیل»، «استعانت و واسطه»، «الصاق و اتصال» و «بیان ظرفیت زمان و مکان» جای داد.

۱.۴ معنای اولیه و سرنمونی حرف اضافه «به»

تایلر و ایوانز معیارهایی را برای تعیین معنای سرنمونی ارائه داده‌اند از جمله: اولین معنای مورد قبول، برتری یک معنا در شبکه معنایی، ویژگی ترکیب‌پذیری و پیش‌بینی دستوری که در این پژوهش نیز با استناد این معیارها، معنای سرنمونی حرف اضافه به انتخاب گردید. همان‌گونه که ذکر شد، در فرهنگ‌ها معانی بسیاری برای حرف اضافه «به» آورده شده است، اما از دیدگاه شبکه معنایی شعاعی، از میان معانی یادشده، معنایی که به‌عنوان معنای اولیه انتخاب می‌شود، مفهوم «الصاق و اتصال» است؛ چراکه معنای اولیه، هسته‌ای و بی‌نشان این حرف اضافه به‌شمار می‌رود و در طول تاریخ، حرف اضافه یادشده، همواره در کنار این معنا به‌کار رفته است. همچنین معنای «الصاق و اتصال» بر سایر معانی غالب است. این

رابطه فضایی در سایر معانی این حرف اضافه مشترک است و در تمام این معانی، پیکر به پهنه مرتبط می‌شود. بنابراین در این پژوهش نیز معنای «الصاق و اتصال» را به‌عنوان معنای اولیه و سرنمونی این حرف اضافه در نظر گرفته‌ایم. این معنای اولیه را می‌توانیم به‌صورت طرح‌واره زیر نشان دهیم: (رضویان و خاززاده، ۱۳۹۳: ۷۶)



شبکه معنایی حرف اضافه «به»

۲.۴ معانی حاشیه‌ای حرف اضافه «به»

انسان همواره درک خود از اشیا و روابط فیزیکی و مکانی را به حوزه‌های غیرفیزیکی بسط می‌دهد و این مفهوم‌سازی‌های بسط‌یافته در نظام زبانی منعکس می‌شوند؛ بنابراین، در اثر بازتحلیل مفهوم اولیه، مفهوم‌سازی‌ها و طرح‌واره‌هایی از آن ایجاد می‌شوند که معانی متفاوتی را می‌سازند و بدین ترتیب مفاهیم حاشیه‌ای و دورتر را به‌وجود می‌آورند. گاهی اوقات در اثر تجارب حاصل از محیط پیرامون و تعاملات روزمره انسان، این مقولات، شکلی کاملاً ذهنی و انتزاعی می‌یابند. حروف اضافه به خوبی نشان می‌دهند که معنای حرف اضافه‌ای به‌صورت قاعده‌مند، از حوزه فضایی و فیزیکی، به حوزه انتزاعی گسترش می‌یابد (زاهدی و محمدی زیارتی، ۱۳۹۰: ۷۱). همان‌گونه که پیشتر ذکر شد معنای «الصاق و اتصال» بی‌نشان‌ترین معنای حرف اضافه «به» است. این حرف اضافه دارای شبکه معنایی نسبتاً گسترده‌ای است که در قالب چند خوشه معنایی از جمله: همراهی، تعلیل، استعانت، سازگاری و تطابق، مخاطب‌سازی و توالی و ترتیب، قرار می‌گیرند.

۵. بحث و تحلیل داده‌های برگرفته از شاهنامه

در این پژوهش، به منظور داشتن پیکره‌ای مناسب، داستان «بیژن و منیژه» از بخش پهلوانی شاهنامه (حمیدیان، ۱۳۷۹: ج ۴-۵) مورد مطالعه قرار گرفت. این داستان مشتمل بر ۱۳۱۲ بیت است که در ۶۳۱ بیت آن ۷۸۹ بار از حرف اضافه «به» استفاده شده است. در بررسی این ابیات مشخص شد معنای سرنمونی این حرف اضافه (الصاق و اتصال) بیشترین کاربرد را در ابیات مذکور داشته است. مفهوم الصاق و اتصال، خود مجموعه‌ای از معانی شبکه‌ای با مفاهیم «به‌سوی»، «به طرف»، «نزد» و «پیش» را دربرمی‌گیرد که هرگونه رسیدن و پیوستن به هم را در ذهن تداعی می‌کند. در ابیات ذیل، این کاربرد معنی به خوبی نمایان شده است:

دل از درد خسته پر از آب روی	زخانه بیامد دمان تا به کوی
زشاه و زگردان فرخ نژاد	دروید بزرگان به دستان بداد
همه راه شادان و نخچیرجوی	وز آنجا به ایران نهادیم روی
دگرگونه سازیم درمان اوی	به بیژن چه سود آید از جان اوی
برو آفرین کرد و شادی نمود	همه بیشه آمد به چشمش کبود
به جان تو هرگز مبادا گزند	به کام تو بادا سپهر بلند

حرف اضافه «به» در ابیات فوق، الصاق و اتصال چیزی را به چیز دیگر نشان می‌دهد؛ در واقع وقتی شیئی به سوی مکانی حرکت می‌کند، نوعی مفهوم الصاق و ارتباط در آن نهفته و بیانگر آن است که گذرنده از جایی حرکت کرده و به سوی مرزنا رفته است؛ به عبارتی دیگر گذرنده به مرزنا اتصال یافته است. این گذرنده می‌تواند عینی یا انتزاعی باشد. بیت اول و سوم، مفهوم عینیت مرزنا و گذرنده و بیت دوم و چهارم، مفهوم انتزاعی گذرنده را دربردارد و حرکتی فیزیکی انجام نشده است

فردوسی از مفاهیم حاشیه‌ای حرف اضافه «به» نیز استفاده بسیار کرده است که پس از مطالعه ابیات مورد بررسی و در نظر گرفتن تقسیم‌بندی‌های فرهنگ سخن و با رعایت دورشدن از معنای سرنمونی، در قالب چندین عنوان دسته‌بندی شده است: تعلیل، مصاحبت و همراهی، مخاطب قراردادن، استعانت، بیان ظرفیت در مکان و زمان.

۱.۵ تعلیل

گاهی حرف اضافه «به» معانی همچون «برای»، «به‌خاطر»، «به‌قصد» را در خود نهفته دارد که باتوجه به اینکه مجموع آنها برای بیان علت به‌کار می‌روند، تحت عنوان تعلیل از آنها یاد شده است. در اشعار ذیل این مفهوم به‌خوبی بیان شده است:

بپرسید و گفتش که چون آمدی	از ایران همانا به خون آمدی
تو دل را بدین کار غمگین مدار	من این را همانا بسم خواستار
چو کیخسرو آمد به کین خواستن	جهان ساز نو خواست آراستن
که من با سواران ایران به جنگ	سوی شهر توران شوم بی‌درنگ
پری‌چهره بینی همه دشت و کوه	ز هر سو نشسته به شادی گروه

در ابیات بالا معلول در حکم مرزما و علت همان گذرنده است و حرف اضافه، میان گذرنده و مرزما ارتباط برقرار کرده است و این معنا، اندکی از معنای سرنمونی «به» فاصله گرفته است.

۲.۵ مصاحبت و همراهی

این معنا زمانی شکل می‌گیرد که حرف اضافه «به» معنای هرگونه بودن و همراهی با چیزی، حالتی یا کسی را بیان کند، خواه این همراهی فیزیکی باشد، خواه انتزاعی.

برو آفرین کرد کای شهریار	همیشه جهان را به شادی گذار
پری‌چهرگان رود برداشتند	به شادی همه روز بگذاشتند
ز تو دور بادا دو چشم نیاز	دل بدسگالت به گرم و گداز
سه روز و سه شب شاد بوده به هم	گرفته برو خواب مستی ستم

۳.۵ ایجاد ارتباط و مخاطب قراردادن:

گاهی حرف اضافه «به» برای ایجاد ارتباط و شکل‌گیری گفت‌وگو میان دو طرف به‌کار می‌رود.

بفرمود خسرو به پولادگر	که بند گران ساز و مسمار سر
------------------------	----------------------------

که ای بدکنش ریمن پر گزند	به گرگین یکی بانگ برزد بلند
به مهتر نژادان و مردانگان	بفرمودخسرو به فرزائگان
که رستم نگرداند از رخس زین	به گيو آنگهی گفت مندیش ازین

در ابیات بالا «به» برای مخاطب قراردادن شخص به کار رفته است؛ بدین ترتیب میان گذرنده و مرزما ارتباطی برقرار شده است.

۴.۵ استعانت و واسطه

گاهی حرف اضافه «به» برای انجام کاری با واسطه و کمک کسی یا چیزی به کار می‌رود که زیرمجموعه معنای استعانت و واسطه قرار می‌گیرد.

تو آئی کز ایران به تیغ و کمند	همی رزم جستی به نام بلند
برآمد ترا این چنین کار چند	به نیروی یزدان و بخت بلند
مرا آن چه باید به بخت تو هست	ز مردان و ز گنج و نیروی دست
کز ایران به پیلان بکوبندمان	زهم بگسلانند پیوندمان

معنای استعانت نشان می‌دهد که گاهی حرف اضافه «به» در معنای «با استفاده از» به کار می‌رود. در چنین مواردی، گذرنده به منظور استعانت و کمک جستن، به مرزما نزدیک می‌شود و رابطه میان گذرنده و مرزما رابطه‌ای انتزاعی است؛ به عبارت دیگر وقتی از شخص یا شیئی استفاده شود و یا به کمک آنها کاری انجام شود، شخص یا شیء استفاده‌کننده به عنوان مرزما و شخص یا شیئی که مورد استفاده قرار گرفته است گذرنده محسوب می‌شود و گذرنده به منظور به‌کارگیری مرزما به آن نزدیک و متصل می‌شود. رابطه میان مرزما و گذرنده باعث به‌وجود آمدن معنای «با استفاده از» می‌شود که در حوزه انتزاع قرار دارد (رضویان و خانزاده، ۱۳۹۳: ۷۴).

۵.۵ بیان ظرفیت در مکان و زمان

بیان مکان و زمان انجام کار یا روی دادن حالت یکی از پرکاربردترین معانی حرف اضافه «به» به‌شمار می‌رود.

چنین داد پاسخ که ای شیر خوی	به گیتی ندیدم چو تو جنگجوی
-----------------------------	----------------------------

هر آن کو به زندان تو بسته ماند	ز دیوان‌ها نام او کس نخواند
نینی کزین بدهنر دخترم	چه رسوایی آمد به پیران سرم
چه مایه خروشید و کرد آفرین	به جشن کیان هرمز فرودین

ویژگی‌های مکانی و زمانی این حرف اضافه در اشعار یادشده در برخی موارد حوزه‌ای عینی و ملموس است که گاهی به محدوده‌های زمانی و یا محدوده‌های مجازی دیگر نگاشت می‌شود و این، حاصل تجربه جسمی شده است؛ یعنی انسان به صورت فیزیکی در محدوده مکانی قرار گرفته و آن را تجربه می‌کند. در نتیجه این تجربه، طرح‌واره‌هایی در ذهن انسان ساخته می‌شود که از آنها در درک حوزه‌های انتزاعی دیگر نظیر زمان و غیره بهره می‌گیرد.

همچنین باید یادآوری نمود بیشتر معانی‌ای که در شاهنامه به کمک حرف اضافه «به» منتقل شده‌اند، امروزه با کمک حروف اضافه دیگری همچون «برای»، «در»، «از» و «با» بیان می‌شوند. به عنوان مثال در بیت زیر:

که من با سواران ایران به جنگ سوی شهر توران شوم بی درنگ

«به» در «به جنگ» امروزه با حرف اضافه دیگری همچون «برای» بیان می‌شود.

و یا در بیت زیر

به هر هفت کشور همی بنگرید ز بیژن به جایی نشانی ندید

«به» در «به هر» و «به جایی» امروزه با حرف اضافه «در» بیان می‌شود.

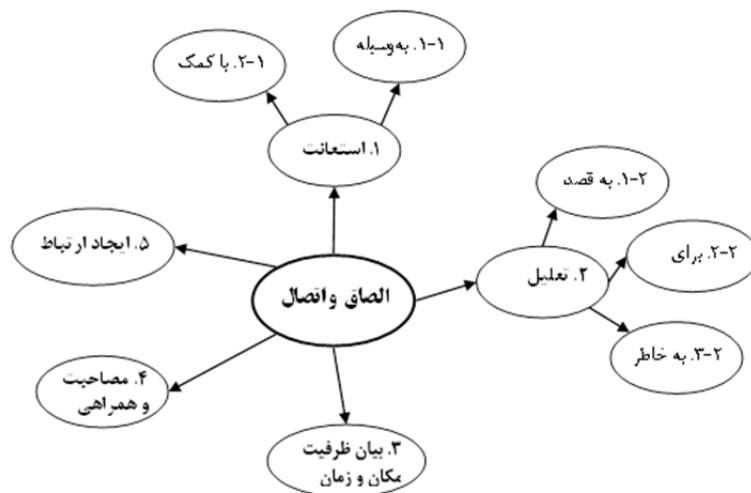
به دیدار تو سخت شادان شدم ولیکن ز بیژن غریوان شدم

در بیت بالا «به» در «به دیدار» امروزه با حرف اضافه «از» بیان می‌شود.

چو رستم دل گیو را خسته دید به آب مژه روی او شسته دید

«به» در «به آب» امروزه با حرف اضافه «با» بیان می‌شود.

با در نظر گرفتن معنای سرنمونی و همچنین معانی حاشیه‌ای «به» می‌توان کلیت شبکه شعاعی حرف اضافه «به» را با عنایت به کاربرد آن در داستان بیژن و منیژه شاهنامه به این صورت ترسیم نمود.



شکل ۲. شبکه معنایی حرف اضافه «به»

۶. نتیجه گیری

بحث مقوله شعاعی از جمله نظریات مطرح در معنی‌شناسی شناختی به‌شمار می‌رود که می‌تواند کاربردهای گوناگونی از جمله تبیین مفاهیم و معانی مختلف حروف و به‌ویژه حروف اضافه، در زبان‌ها داشته باشد. در مقاله حاضر از کاربردهای حرف اضافه «به» در داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی به دلیل جایگاهی که در سیر رشد و شکوفایی ادبیات فارسی دارد، بهره گرفته شده است. همچنین تنوع و بسامد کاربرد حرف اضافه «به» در این اثر چشمگیر است. بدین منظور ابتدا معنای سرنمونی «به» به‌عنوان حرف اضافه‌ای مستقل، بر مبنای چهار چوب نظری پژوهش و معیارهای مذکور توسط تایلر و ایوانز تعیین و سپس تنوع معانی آن در قالب یک شبکه معنایی شعاعی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که حرف اضافه «به» دارای ساختار شعاعی است. بررسی اشعار نشان داد که بیشترین بسامد وقوع حرف اضافه «به» به‌لحاظ معنایی در شاهنامه، همان معنای سرنمونی این حرف است که این خود حاکی از غلبه و چیرگی یکی از مفاهیم شبکه معنایی حرف «به» بر دیگر معانی آن است. بررسی سیر تحول معنایی این حرف مشخص ساخت برخی از مؤلفه‌های معنایی

که در شاهنامه به کمک حرف اضافه «به» منتقل شده‌اند، امروزه از شبکه معنایی نظام زبان خارج شده و در گذر زمان اکنون با کمک حروف اضافه دیگری همچون «برای»، «در»، «از» و «با» بیان می‌شوند؛ بنابراین، با شواهد به‌دست‌آمده از شاهنامه، مشخص شد که حرف اضافه «به» دارای یک معنای سرنمونی با مفهوم «الصاق و اتصال» است و معانی گوناگون دیگر آن تحت عنوان یک شبکه معنایی منسجم و شعاعی، حول محور این معنای سرنمونی قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی این مطالعه نشان می‌دهد که «به» در شاهنامه به‌عنوان یک حرف اضافه پربسامد، ساختاری نظام‌مند و شعاعی دارد. بهره‌گیری از شبکه معنایی حروف اضافه و تعیین معنای سرنمونی و حاشیه‌ای آنها بدون تردید در سهولت آموزش این حروف به فراگیران مؤثر خواهد بود.

کتاب‌نامه

- ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۹۳)، «نقشی یا واژگانی: تحلیلی وزنی - پیوستاری بر مقوله حرف اضافه فارسی»، پژوهش‌های زبانی، سال پنجم، ش ۲، صص ۱-۲۰.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳)، دستور تاریخی زبان فارسی، چ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- انوری، حسن (۱۳۸۰)، فرهنگ سخن، ج ۲، چ اول، تهران، انتشارات سخن.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، چ پنجم، چ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.
- حمیدیان، سعید (۱۳۷۹)، شاهنامه فردوسی، مصحح ر.علی یف، ج ۴ و ۵، چ پنجم، تهران: نشر قطره.
- خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۷۹)، حروف اضافه و ربط دستور زبان فارسی، تهران: مهتاب.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ج ۱، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- دهقان، مسعود (۱۳۹۷)، «بررسی معنایی حروف اضافه /wæpi/ و /wægærd/ /wæ/ /læ/ براساس رویکرد شناختی»، جستارهای زبانی، سال نهم، ش ۴۴، صص ۱-۳۳.
- راسخ مهند، محمد، رنجبر ضرابی، نفیسه (۱۳۹۲)، «بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر»»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال سوم، ش ۵، صص ۹۶-۱۱۱.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی معنایی حروف اضافه مکانی فرهنگ سخن براساس معنی‌شناسی شناختی»، ادب‌پژوهی، سال چهارم، ش ۱۴، صص ۴۹-۶۶.
- رضایی، حدائق، مختاری، شهره، کرمانی، معصومه (۱۳۹۲)، «بررسی شناختی مقوله «بر» در گلستان سعدی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال سوم، ش ۶، صص ۷-۱۹.

رویکرد معناشناسی شناختی به حرف اضافه «به» با تأکید بر ... ۷۹

رضویان، حسین، خانزاده، معصومه (۱۳۹۳)، «چند معنایی حرف اضافه «به» در زبان فارسی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی»، *فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال دوم، ش ۷، صص ۷۹-۵۷.

زاهدی، کیوان؛ محمدی زیارتی، عاطفه (۱۳۹۰)، «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی "از" در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال سیزدهم، ش ۴۹، صص ۶۷ تا ۸۰.

عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۳)، *فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی*، چ اول، تهران: نشر علمی.

گلفام، ارسلان، یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۵)، «بررسی حرف اضافه مکانی در چارچوب شناختی: مطالعه موردی حرف اضافه «در»»، *زبان و زبان‌شناسی*، سال دوم، ش ۳، صص ۳۴-۴۵.

مختاری، شهره، رضایی، حدائق (۱۳۹۲)، «بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال پنجم، ش ۹، صص ۷۳-۹۴.

مشکور، محمدجواد (۱۳۶۳)، *دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی*، تهران: شرق.

معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ معین*، ج اول، چ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۴)، *تاریخ زبان فارسی*، ج ۳، چ پنجم، تهران: نشر سیمرغ.

وحیدی فردوسی، طاهره (۱۳۹۶)، «درسنامه آموزش حروف اضافه با رویکرد معنی‌شناسی شناختی برای آموزش به غیر فارسی‌زبانان (مطالعه موردی: «حرف اضافه «از»»»، *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ش ۱۷، صص ۱۷۵-۲۰۲.

Evans Vyvyan. Green, Melanie. (2018). *Cognitive Linguistics: An Introduction*: Routledge; 1 edition.

Geeraerts, D. (1995). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Amsterdam: J. Benjamin Pub Co.

Lee, David (2002). *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Oxford University Press, USA.

Tyler, Andrea & Vyvyan, Evans (2001) "Reconsidering Prepositional Polysemy Network: the case of over". *Language*, 77(4):724-765.

Yoshikata Shibuya, Brigitte Nerlich (2007) "Polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language", *Cognitive Linguistics*, 18(4):559-579.